اعضای دولت دیگر وارد حاشیه و درگیری رسانه‌ای نمی‌شوند و اگر در جایی و مواردی حاشیه‌ای ایجاد شود، به سرعت حل می‌شود. علت این رویکرد و تأکید دولت برداشتن یک تشخص ویژه چیست؟

این امر ناشی از پیگیری مستمر و تأکید مداوم شخص رئیس جمهور است که به نوبه خود به چهارچوبی که مقام معظم رهبری مشخص کردند برمی گردد. یعنی رئیس جمهور همیشه الگو و خط مشی‌ای که برای تعامل میان قوا در سطح کلان گرفتند، آن را در خود قوه مجریه هم اجرا کردند. این عبارت برای همه اعضای هیأت وزیران بسیار آشناست و بارها تکرار شده است که مسائل و مشکلات باید دور میز دولت مطرح و حل شود. به عبارت دیگر، دور میز دولت به مفهوم عام آن، یا جلسات اعضای دولت در سطوح مختلف، اتفاقاً محل بحث و مناقشه و تبادل نظر است. اساساً آقای رئیس جمهور بارها عنوان می کنند که اتفاقاً اینجا باید بحث شود و اگر عضوی از دولت یا دستگاهی با دیگری اختلاف نظر دارد، باید در دولت مطرح و درباره آن بحث شود. به همین دلیل می بینیم که جلسات داخلی دولت جلساتی بسیار جدی است، گاهی ممکن است اختلاف نظرهای اساسی هم وجود داشته باشد، زیرا نگاه‌های کارشناسی متفاوت است و هر عضوی از منظر خاص خود به یک مسأله نگاه می کند، لذا در جلسات دولت تضارب آرا صورت می گیرد و اینطور نیست که با سلام و صلوات بحث جمع شود. اینکه اگر اختلافی باشد، به بدنه عمومی کشیده شود و ذهن مردم را آزرده کند و نگرانی و سؤال و ابهام ایجاد کند، این خط قرمز دولت بوده و خواهد بود. این تأکید رئیس جمهور مبنی بر طرح جدی مباحث در جلسات، به نوعی ابزار و بهانه خوبی هم به دست مدیران داده که وقتی مدیران انتقاد جدی دارند، با استناد به این کلام رئیس جمهور بسیار راحت نظر خودشان را مطرح می کنند، یعنی آزادگی بیشتری به مدیران در جلسات اعطا شده است. به این معنی که گفته می‌شود چون رئیس جمهور گفته همه حرف‌های خود را راحت در جلسات مطرح کنید، من می‌خواهم این مسائل را مطرح کنم. در جلسات داخلی با حفظ احترام و اخلاق، اختلاف نظرها بسیار شفاف مطرح می‌شود. هم مدیران در سطوح مختلف این فهم را از سطوح عالی دولت گرفتند و این زبان و ادبیات مشترک را پذیرفتند و هم مردم این را دریافتند که نگاه دولت این گونه است. بعضی از رسانه‌ها چون می بینند این دولت اهل بیرونی کردن اختلاف نظرها نیست، روش‌های دیگری را برای ساختن اختلاف پیدا کرده‌اند. مثلاً یک نظر کارشناسی مدیری را پیدا می کنند، در کنار آن، می گردند و نظر کارشناسی مدیر دیگری را نیز پیدا کرده و این دو را که اساساً در دو جای مختلف مطرح شده، کنار هم قرار می دهند تا بتوانند وجود اختلاف در دولت را که مدنظر خودشان است نتیجه‌گیری کنند. درحالی که اساساً وجود اختلاف نظرهای کارشناسی امری طبیعی و بدیهی است. البته ما معتقدیم نخبگان و آحاد مردم متوجه این مسأله و نادرست بودن رویکرد این رسانه‌ها می‌شوند و این را به وجود اختلاف در دستگاه‌های دولتی تعبیر نمی کنند.

آماری که دولت درباره تورم یا رشد اقتصادی می‌دهد، در داخل و گاهی در خارج زیر سؤال می‌رود. اخیراً هم آیت‌الله رئیسی به این مسأله اشاره کردند. آیا این هم از جنس اختلاف نظر دستگاه‌ها است، یا اینکه کارشناس و حوزه‌هایی خارج از دولت است که این مناقشه‌ها را ایجاد می کند؟

متأسفانه برخی به مسائل و موضوعات ملی، نگاه جناحی یا نگاه بخشی دارند. مسأله مورد اشاره شما نتیجه این نگاه بخشی به مسائل ملی است. این درحالی است که اگر جناح یا دیدگاهی دستاوردهای مثبتی در زمینه‌ای داشته است. داب این دولت این بوده که حتماً اشاره و از آن قدردانی کند. یک مثال بارز آن، افتتاح بیمارستان مهدی(عج) بود که طی آن آیت‌الله رئیسی در مراسم اشاره کردند که بخشی از پیشرفت طرح در دوره مدیران و دولت‌های سابق بوده و ما از اقدامات مثبتی که در آن دوره در این حوزه صورت گرفته تشکر می کنیم. حتماً نگاه دولت این بوده و خواهد بود. اگر مدیری در دولت قبل خوب کار کرده و کارهای مربوط به حوزه‌اش را پیش برده است، مردم هم باید مطلع باشند. در عین حال اگر هم مدیری بد عمل کرده، مردم حق دارند هم نسبت به اشخاص و هم نسبت به رویه‌ها شناخت پیدا کنند. بالاخره ملت ما یک تجربه جمعی از عملکردهای دولت‌های مختلف به دست آورده و این تجربه جمعی، یک میراث و علم جمعی است تا بدانیم کجا، چه دستاوردی، نتیجه چه عملکردی بوده است. در این صورت، وقتی اعلام می‌شود براساس آمار بانک مرکزی دولت قبل، میانگین رشد اقتصادی در دهه ۹۰ چهار دهم درصد بوده، یعنی تقریباً صفر بوده است، یا وقتی گفته می‌شود میانگین تورم در چهار سال منتهی به آغاز این دولت، از میانگین تورم ۱۰۰ ساله اخیر ما بالاتر بوده است، باید توجه کرد که اینها آمار بانک مرکزی دولت قبل است. در این صورت باید تحلیل کنیم که چرا این اتفاق افتاده و در این رابطه، چه میزان دیپلماسی خارجی ما در این فرایند تلخ اثر داشته است، یا اینکه نوع نگاه ما به حوزه خارجی و نوع نگاه ما به توان داخلی و اقتصاد منطقه تا چه اندازه در شکل‌گیری این آمارها دخیل بوده است. این نگاه به مسائل، نگاهی است که بتوانیم از دل آن، مسیر آینده خود را اصلاح کنیم و نقاط مثبت و هم منفی خود را بهتر بشناسیم. یک نگاه دیگر به این مسأله هم این است که ما به جای بهره‌برداری از عقل و تجربه جمعی و یادگیری از تاریخ و گذشته خود، سعی کنیم با نگاه بخشی و جناحی مانع دیده شدن حقایق شویم یا حقایق را به شیوه خاصی تفسیر کنیم. بالاخره این نرخ تورم و رکوردشکنی تورم در شهریور ۱۴۰۰ که شروع این دولت بوده، در دهه قبل بوده است. ما می خواهیم از آن تجربه بگیریم. اما در مقابل این نگاه، می‌بینیم که برخی از مراجع خبری غیررسمی آمار اقتصادی دهه پیش یا تورم شهریور ۱۴۰۰ را به حساب دولت سیزدهم می گذارد و بعد می گویند که دولت سیزدهم در حوزه تورم رکوردشکنی شده است، درحالی که این رکورد برای دهه قبل و دولت قبل بوده است.

به نظر شما چرا این کار را می کنند؟

برای اینکه نگاه جناحی به مسأله دارند و به همین دلیل مجبور می‌شوند به دروغ روی بیاورند تا شاید پاسخی برای آن عملکرد داشته باشند. البته این امر قطعاً مطلوب و پسندیده نیست. آمارهای اقتصادی در بانک مرکزی و مرکز آمار مطابق روال‌های معمول خود در همه ادوار اعلام می‌شود، از ابتدا همین بوده و تا انتها نیز همین مسیر پیش خواهد رفت. بدنه کارشناسی این نهادهای کارشناسی هم ثابت هستند. به عنوان مثال، امروز رئیس مرکز آمار ایران تغییر نکرده و رئیس مرکز آمار دولت سیزدهم همان رئیس مرکز آمار دولت قبل است. به طریق اولی بدنه کارشناسی آنجا هم تغییر نکرده است. بنابراین باید از آنان پرسید چه آماری را و بر چه اساسی زیر سؤال می برید؟ همین آمار در دولت قبل بوده و الان هم هست. برداشت من این است که چون در اینجاها پاسخی به پرسش‌های افکار عمومی ندارند، می خواهد آمار را زیر سؤال ببرند. زیرا همان‌طور که می دانید، الغریق یتشبث به کل حشیش. درحالی که ما معتقدیم باید این اخلاق و این رویه‌ها را کنار گذاشت. همه ما صرف‌نظر از جناح‌های سیاسی و نگاه‌های بخشی و حزبی، رسالتی نسبت به ملت بزرگ ایران داریم. دست‌کم اینکه باید بگذاریم ملت واقعیت‌ها را بهتر متوجه شود. البته ملت متوجه می‌شود و در این میان ما با این کارها و تشکیک در آمارها صرفاً خودمان را خراب می کنیم.

سال گذشته شاهد آشوب و اغتشاش در کشور بودیم. شما در اوج اغتشاشات در دانشگاه حضور می‌یافتید و با دانشجویان گفت‌وگو کردید. رئیس جمهور هم گفت‌وگوهای متعددی با بخش‌های مختلف و اقشار گوناگون دارند. فارغ از این، تا چه حد دولت را در پیشبرد ایده گفت‌وگو با مردم موفق می‌دانید؟

اولاً که پیشگام گفت‌وگو و ارتباط با اقشار مختلف مردم، شخص رئیس جمهور بوده است. هم پیش از سایر اعضای دولت در مراکز عمومی و نخبگانی حضور یافتند. دیدید که در ابتدای دولت سیزدهم، وقتی سامانه مربوط به پمپ‌های بنزین هک شد، شخص رئیس جمهور در پمپ بنزین و وزارت نفت حاضر شدند و به این ترتیب به محل حادثه سر زدند. یا وقتی در طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها گفته شد که ممکن است بازار دچار اشکال شود، رئیس جمهور شخصاً به بازار رفتند. یا در ابتدای انتخاب ایشان به ریاست جمهوری، دیدیم که بحث کمبود دارو مطرح بود، ایشان به داروخانه ۲۹ فروردین رفتند، یعنی دقیقاً جایی که داروهای خاص توزیع می‌شود و شاید مردمی که آنجا بودند، ناراضی هم بوده باشند، این بازدید برای وقتی بود که هنوز کابینه جدید تشکیل نشده بود. بنابراین، می‌توان گفت آقای رئیس جمهور پیشگام گفت‌وگو با اقشار مختلف مردم و حضور در میان آنان بودند. از سوی دیگر، وقتی رئیس جمهور در یک سال ۳۱ سفر استانی انجام می‌دهد، هرچند به نوبه خود یک رکوردشکنی است، اما اینطور نیست که در این سفر فقط جلساتی با مقامات برگزار شده باشد. بلکه در هر سفر چندین دیدار مردمی و نخبگانی هم از سوی رئیس جمهور صورت گرفته است. در مرحله دوم، آقای رئیس جمهور از ابتدایی که برای سخنگویی مرا خواستند، چند عبارت کلان به من داشتند، یکی این بود که شما فقط سخنگوی دولت نسبت به مردم نیستید، بلکه باید سخنگوی مردم در دولت هم باشید. رئیس جمهور گفتند یکی از کارویژه‌های شما این است که در جلسات دولت صدای مردم و افکار عمومی در آن تصمیمات دولت باشید و تصمیمات از منظر افکار عمومی بحث و بررسی یا یادآوری شود. این رسالتی بود که رئیس جمهور به دوش من گذاشتند و نشست با اقشار مختلف جامعه، لازمه انجام همین تکلیف رئیس جمهور است. درباره حضور در دانشگاه‌ها بعد از اغتشاشات هم، من با حمایت و دستور شخص رئیس جمهور در این جلسات حاضر شدم. رئیس جمهور به هر یک از اعضای کابینه مأموریت‌هایی می‌دهند. هرکس کارویژه‌ای در دولت دارد و کارویژه سخنگویی دولت، تعامل و سخنگوی مردم در دولت بودن است. با دستور و حمایت قاطع رئیس جمهور سعی کردیم این کارویژه را انجام دهیم و اتفاقاً بعضی جاها هم کاستی‌هایی داشتیم. اما نگاه دولت این است و اجزای دولت در دانشگاه‌ها حاضر شدند و به تناسب میزان وقتی که می‌توانند بگذارند، برای این کار وقت می‌گذارند، کما اینکه در اغتشاشات هم وزیر اقتصاد و رئیس سازمان اداری و استخدامی و وزیر صمت و میراث فرهنگی به دانشگاه رفتند. به این معنا غالب اعضای هیأت وزیران در دانشگاه‌ها حاضر شدند.

در دولت سیزدهم، اصل، خدمتگزاری مناسب به مردم است. ضمن اینکه این جابه‌جایی به معنای نفی سایر شایستگی‌ها نیست، کما اینکه ممکن است از خدمات شخص در جایگاه یا حوزه دیگر و حتی در سطح دیگری بهره‌برداری شود، بنابراین این جابه‌جایی‌ها نافی ویژگی‌های مثبت آن شخص نیست، بلکه به این معنا است که این شخص نتوانست در این جایگاه کارآمدی لازم را از خودش نشان بدهد، اما به این معنی نیست که در جایگاه یا حوزه دیگری کارآمدی نداشته باشد. رئیس جمهور هم نشان داده که در این زمینه‌ها اقدام می کند و در این حوزه هیچ رودربایستی هم ندارد. اساساً چون آیت‌الله رئیسی خود را مقابل خدا و مردم پاسخگو می‌داند، اصلاً در این موارد هیچ تعللی نمی کند و اتفاقاً در این حوزه پیشرو هستند.

گفتید که خود شما هم در معرض ارزیابی و پایش هستید. نهاد و سازمان خاصی وظیفه پایش و ارزیابی مستمر مدیران را برعهده دارد؟

سطوح متفاوت است. هر سطحی نسبت به زیرمجموعه خودش این پایش‌ها را انجام می‌دهد. به عنوان مثال ارزیابی سفیران از سوی وزارت امور خارجه انجام می‌شود، اما این‌گونه نیست که فقط همان سطح نسبت به زیرمجموعه خودش نظارت داشته باشد. به طور کلی چند مرجع متکفل این امر هستند و درباره عملکرد در بخش‌ها و سطوح مختلف گزارش می‌دهند. یکی از این مجموعه‌ها

آقای رئیس جمهور پیشگام گفت‌وگو با اقشار مختلف مردم و حضور در میان آنان بودند. از سوی دیگر، وقتی رئیس جمهور در یک سال ۳۱ سفر استانی انجام می‌دهد، هرچند به نوبه خود یک رکوردشکنی است، اما اینطور نیست که در این سفر فقط جلساتی با مقامات برگزار شده باشد. بلکه در هر سفر چندین دیدار مردمی و نخبگانی هم از سوی رئیس جمهور صورت گرفته است. در مرحله دوم، آقای رئیس جمهور از ابتدا که برای سخنگویی مرا خواستند، چند عبارت کلان به من داشتند، یکی این بود که شما فقط سخنگوی دولت نسبت به مردم نیستید، بلکه باید سخنگوی مردم در دولت هم باشید